



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۷/۲۷

حنیف رهیاب رحیمی

نخستین و معروف ترین خط آهن استرالیا



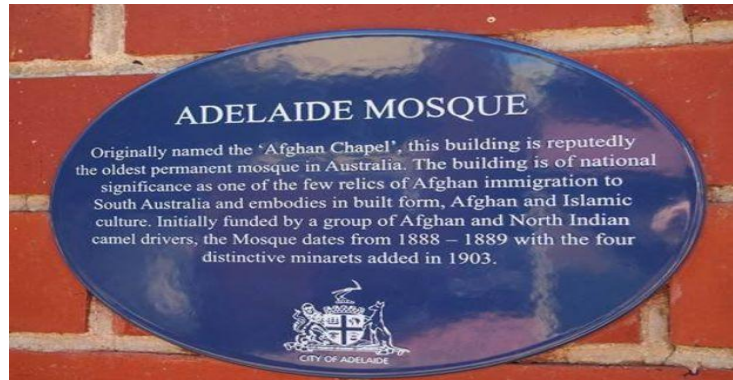
The Ghan

هرگاه سفری در شهر ادلید استرالیای جنوبی بنماییم، می بینیم که نام افغانستان با نام یکی از معروف ترین خط آهن جهان گره خورده که شمال استرالیا را با جنوب وصل کرده است. ترینی که روی این خط آهن حرکت می کند به نام The Ghan ده گان (غان) یعنی مخفف «افغان» مسمی گردیده و به شکل یک هتل مجلل و سیار روی «خط آهن بزرگ جنوب» در حال حرکت می باشد. این ریل بسیار لوکس از لحاظ قیمت ارزان نبوده



بلکه کرایه آن برای مسافرین خیلی بلند هم است که در فصل های مختلف سال نظر به درجه و کلاس کابین متفاوت می باشد. کرایه ادلید الی داروین برای یک فرد، در یک کابین متوسط بین ۱۵۲۹ دالر و ۲۷۲۹ دالر تخمین زده می شود که یکروز و ۲ شب و یا ۲ روز و ۳ شب سفر را در بر می گیرد. تاریخچه خط آهن "غان" از سال ۱۸۴۰ شروع می شود یعنی زمانی که یک محقق برتانوی متولد بنگال به نام چارلز استورت، راهی بیابان های مرکزی استرالیا شد تا این بخش شناخته نشده استرالیا را کشف کند.

سی سال بعد یک محقق دیگر به نام جان مک دووال استوارت اهل اسکاتلند هم برای کشف قسمت های ناشناخته مرکز استرالیا راهی این سرزمین ها شد. مشکل هر دوی این محققین، شیوه حمل و نقل خدمه (1) و بار در جریان سفرهای اکتشافی شان بود. وزن زیاد بارها و کمبود آب باعث می شد که اسب های شان در



جریان سفر از پای بیفتند. و اینجا بود که فکر تهیه شتر و جایگزینی آن با اسب به میان آمد و برای این منظور اقدام به وارد نمودن شترها و شتربان هایی از افغانستان و مناطق اطراف کوه های هندوکش نمودند.



یکی از همین محققین به نام "ویلیام جروویس" که در اردوی برتانیه انجنیر بود در سال ۱۸۷۸ اولین قدم برای ساخت خط آهن در مرکز استرالیا را، با استفاده از تجربه شتربان های افغان برداشت. اولین بخش خط آهن در سال ۱۸۸۱ ساخته شد. طرح "جروویس" این بود که خط آهن بتواند شهر "ادلید" را به شهر "داروین" وصل کند. اما در سال ۱۸۸۳ پادشاهی برتانیه او را به عنوان فرماندارکل (2) "نیوزیلند" انتخاب کرد و در نتیجه موصوف تا زمانی که زنده بود، نتوانست اجرایی شدن طرح پیشنهادی اش را ببیند.

1- "خدمه" (به فتح سه حرف اول) جمع "خادم" است، که در متن مرحوم غبار مقصد از "خدمتگاران دولت" میباشد. در عرف افغانستان "خدمه" را به جای "خادمه" می انگارند؛ چنان، که در کارتهای عروسی نویسد "بدون خدمه و اطفال". "خادم" کلمه عربی(اسم فاعل از "خدمت") و در معنای "خدمتگار" است که مؤنث آن "خادمه" میشود. در مثال بالا باید نوشت: "حمل و نقل خادمه". (از نوشته جناب خلیل الله معروفی تحت عنوان "افغان، افغانی، افغانستانی" صفحه 24 کتاب "افغانستان گلستان اقوام" تألیف ولی احمد نوری

2- فرماندار در زبان فارسی ایران از کلمات تازه به جود آمده است که در زبان دری افغانستان به آن "نائب الحکومه" یا "والی" گویند.

وارد نمودن بیشتر افغان ها با شترهای شان و متعاقباً کار بالای احداث خط ریل ادامه پیدا کرد. در سال ۱۸۹۱ که اولین ترین از ایستگاه «کورن» به ایستگاه «اودناتا» رسید ۱۵۰ شتربان افغان در این طرح مشغول به کار بودند. نام ترینی که این مسافت را طی کرد برای تجلیل از خدمات شتربانان افغان، "افغان اکسپرس" انتخاب شد. اما این نام دو بار دیگر نیز تغییر کرد، یک بار به "غان اکسپرس" و بالاخره به نام امروزی اش «گان» یعنی "غان".

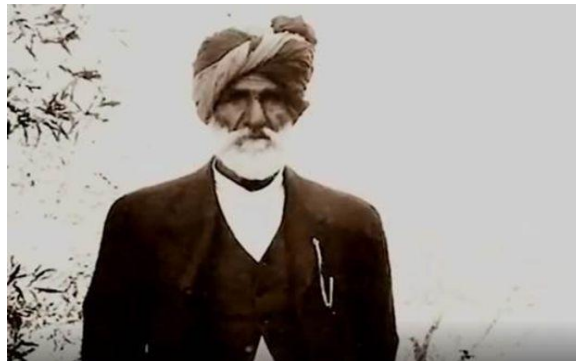
شتربانان افغان در شهر کوچک ماری (Marree) در ۷۰۰ کیلومتری ادلید زندگی می کردند. اقامت طولانی مدت آنها و تشکیل خانواده باعث شد تا رفته رفته نمادهایی از زندگی مسلمانان افغان در این شهر شکل بگیرد. یکی از یادگارهای این نمادها عبادتگاه کوچکی به عنوان مسجد در شهر ماری است. در سال ۱۸۸۹ نیز اولین مسجد در ادلید ساخته شد که تا هنوز پابرجاست. در آغاز قرن بیست منطقه کوچک ماری به دو حصه تقسیم شد. در یک طرف آن مردمان دارای نژاد اروپایی،



و در طرف دیگر آن افغانها و مردمان بومی آن سرزمین که به نام ابوریجینی ها «Aborigines» یاد می شوند، زندگی دارند.

یک عده از شتربان های افغان پس از احداث خط آهن به زادگاه خود بازگشتند اما گروهی از آن ها در استرالیا باقی ماندند که جمعیت کوچکی از بازماندگان شان اکنون در ماری و بعضی مناطق دیگر زندگی می کنند. میراث این افغانهای شتر سوار را می توان در جریان معروف ترین مسابقه سالیانه شترسواری استرالیا در همین شهر دید. وقتی به تماشای مسابقه شترسواری می روید بوی غذاهای افغانی که در کنار مسیر مسابقه پخته می شود به مشام تان می رسد و در همانجاست که با نام های خانوادگی نظیر "بی جا درویش"، "دوست محمد"، "شمروز خان" و "ظریف خان" هم آشنا می شوید .

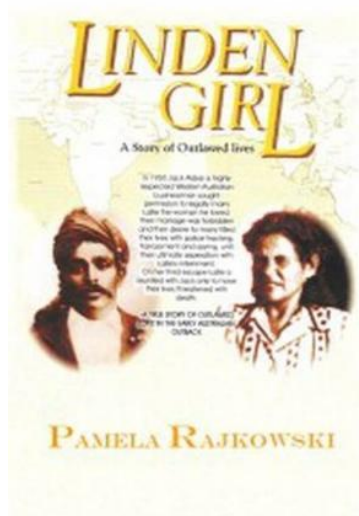
درویش بی جا یا آنطور که در منابع استرالیایی آمده " بی جا درویش " یکی از معروف ترین شتربان های افغان بود که در سال ۱۹۵۷ در شهر پورت آگوستا در نزدیکی ماری درگذشت. داگلاس استیوارت شاعر بلند آوازه استرالیایی شعری به نام " افغان " دارد که در آن «بی جا درویش» را توصیف می کند . یکی از داستان های عاشقانه و حزن انگیز در استرالیا نیز مربوط به همین افغانهای شتربان است. یکی از آن ها به نام اکبر، با پسرش به استرالیا آمده بود. وقتی پدر درگذشت پسر که اکنون به نام " جک اکبر " شناخته می شد



ابتدا بعنوان شتربان و بعد بعنوان پوسته رسان در دستگاه دولت استخدام گردید. جک در جریان یکی از سفرهایش در استرالیای غربی با دختر جوانی از بومیان استرالیا به نام "لالی متبار" آشنا می شود. آنها عاشق یکدیگر می شوند و تصمیم می گیرند ازدواج کنند .

قانون سال ۱۹۰۵ در باره بومیان استرالیا اجازه ازدواج آن ها با افراد غیربومی را نمی دهد. با اینحال جک و لالی مجبور می شوند به شهر ادلید در استرالیای جنوبی فرار کنند. ازدواج شان را در دفاتر دولتی ثبت می کنند و در یک خانه ساکن می شوند. اما ازدواج آن ها همچنان غیرقانونی محسوب می شد، بالاخره پس از چندی پولیس، زن و شوهر جوان را دستگیر و به استرالیای غربی فرستاد تا جدا از هم زندگی کنند.

شکایت های متعدد جک در طول چندین سال به جایی نرسید تا این که بالاخره محکمه عالی استرالیای غربی آن ها را به زندگی در خارج از ایالت تبعید کرد. جک و لالی به ادلید بازگشتند، در این شهر خانواده شان را تشکیل دادند و صاحب دو پسر و دو دختر شدند. دوسیه لالی بعنوان سرکشی از قانون دولت بعد از ازدواج آن ها نه، بلکه بالاخره در سال ۱۹۷۰ بسته شد.



شتربان های افغان و شترهای شان نه تنها در ساخت خط آهن جنوب به شمال بلکه در احداث خطوط تلگراف مرکزی استرالیا نیز مشارکت داشتند. بعد از پایان ساخت خط آهن، افغان ها در از بین بردن شترهای شان از جانب دولت مکلف ساخته شدند اما آنها برای گریز ازین امر، شترهای شان را در طبیعت رها کردند تا از دستور دولت

برای امحاء آن ها بگریزند. اکنون بزرگ ترین جمعیت شترهای جهان که بیش از یک میلیون راس تخمین زده می شود در سرزمین های مرکزی استرالیا زندگی می کند. آن عده افغان های باقیمانده در استرالیا، به پیروی

از قانون که حق نداشتند با سفید پوست ها ازدواج نمایند، با بومی های آن سرزمین ازدواج و تشکیل خانواده دادند که تعدادی از آنها در مناطق مختلف چون سوان هیل، بروکن هیل (منطقه ای در سرحد بین دو ایالت ویکتوریا و نیوساوت ویلز) و شهر کوچک ماری در مربوطات شهر ادلید زندگی دارند. شتربانها که متشکل از بلوچ ها، پشتونها، راجیستانی ها و مردمان سایر مناطق ماحول آنزمان به استرالیا برده شده بودند، زندگی خیلی دشواری را پشت سر گذاشته اند، در کنار زندگی و کار طاقت فرسا در بیابانهای بی آب و سوزان، با انواع مختلف تبعیض نژادی، عقیده، رنگ و منطوقی دست و گریبان بودند. بگونه مثال درجه این تبعیض تا حدی بود که در سال ۱۹۰۳ یکی از صاحبان کمپنی شتربانی به نام Willconia ویلکانیا تمام شتربان های کمپنی اش را که افغان بودند اخراج و شتربانان اروپایی را که تا آنزمان کاملاً ورزیده شده بودند، بجای شان استخدام نمود.

در پهلوی اینهمه، شتربانان افغان با متانت، امانت داری و صداقت کار بس بزرگی را در تاریخ استرالیا انجام داده اند که در صفحات تاریخ بازسازی و عمران آنکشور تا ابد درج می ماند. در بین این شتربانان اشخاص ورزیده ای که طبابت یونانی را انجام می دادند و مانند یک داکتر ورزیده مردم را تداوی می نمود، مردان جنگنده و پرشور و اشخاص نیک و باوقاری که بخاطر احقاق حقوق شان برخاستند و توانستند یک اندازه حقوق شانرا منحصیث باشندگان استرالیا بدست بیاورند، عرض اندام نمودند.

فراز و نشیب زندگی این مردان دلاور مملو از قصه های جالبیست که ایجاب مقاله علیحده را می نماید و در آینده خدمت دوستان تقدیم خواهد گردید.



(پایان) 23 جولای 2019

(1) تصویر ها: از موزیم ملی خط آهن استرالیای جنوبی.

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده معزز را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!